



فصلنامه علمی پژوهشی اخلاق پژوهی

سال ششم • شماره سوم • پاییز ۱۴۰۲

Quarterly Journal of Moral Studies  
Vol. 6, No. 3, Autumn 2023



## تبیین و تحلیل رابطه اخلاق و قدرت

### در سیره اجتماعی رسول الله (ص)

بهادر شهریاری\* | آرمان فروهی\*\*

doi: 10.22034/ETHICS.2024.51139.1639

#### چکیده

تمرکز این مقاله بر ارزیابی وجهی از رابطه قدرت و اخلاق است که جنبه‌هایی از آن در سیره رسول الله (ص) متجلی شده است. در تمامی تعاریفی که از قدرت، مبانی و اجزای آن، صورت گرفته «توان انجام تغییر و ایجاد تأثیر»، گزاره مشترکی به حساب می‌آید. فضایل اخلاقی نیز عنصر نیرومندی در «اثر بخشی و اثرگذاری در روابط فردی و حیات اجتماعی» است که در پیوند با قدرت قرار گرفته و فصل مشترک آن دو محسوب می‌گردد. در مقاله پیش رو با رویکرد توصیف و تحلیل تاریخی، این سؤال که فضایل اخلاقی پیامبر (ص) در امر رسالت چگونه قدرت‌آفرین واقع شد، بررسی شده است. یافته‌های پژوهش حکایت از آن دارد که «خلق عظیم» رسول الله (ص)، «تولید قدرت» نمود و در قالب «نیروی اثر بخش» در گرایش به اسلام، تحمل دشواری‌های پذیرش اسلام و همراهی با رسول الله (ص) و همچنین در ایجاد تغییرات گسترده در جامعه جاهلی، متجلی شد. در نتیجه، موفقیت حضرت محمد (ص) در به دست گرفتن ابتکار عمل و مهار نیرو و توان رزمی و اقتصادی مخالفان و در نهایت شکل‌گیری جامعه جدید، مبتنی بر هنجارها و ارزش‌های نوین دینی خود را نمایان ساخت.

#### کلیدواژه‌ها

رابطه اخلاق و قدرت، سیره رسول الله (ص)، قدرت نرم، سیره اجتماعی.

\* استادیار گروه معارف اسلامی دانشگاه جامع امام حسین (ع)، تهران، ایران. | b.shahriary1986@yahoo.com

\*\* استادیار گروه ایران‌شناسی، دانشگاه میبد، میبد، ایران. (نویسنده مسئول) | a.forouhi@meybod.ac.ir

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۷ □ تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۰۲/۱۸

■ شهریاری، بهادر؛ فروهی، آرمان. (۱۴۰۲). تبیین و تحلیل رابطه اخلاق و قدرت در سیره اجتماعی رسول الله (ص). فصلنامه اخلاق پژوهی. ۶(۲۰)، ۸۳-۱۰۴. doi: 10.22034/ETHICS.2024.51139.1639



## ۱. مقدمه

از وجوه حیات اجتماعی بشر از ابتدا تا کنون این بود که به اقتضای مسائل تازه، همچنین پیچیدگی‌ها و تراکمی که در روابط انسان‌ها پدید آمد مفاهیم جدیدی تولید شده و با جنبه‌های تازه‌ای از آنها نمایان گردید. سیر تطور مفهومی و معنایی بسیاری از مفاهیم اجتماعی و سیاسی مؤید این موضوع است. دین و مذهب، یکی از نیرومندترین مؤلفه‌هایی به حساب می‌آید که در معنابخشی و تولید مفاهیم نقش مهمی دارد. در این رابطه اسلام به عنوان دینی که مبانی، معارف و آموزه‌های آن، حوزه‌ها و موضوعات مختلف فردی و اجتماعی را پوشش داده و در هر مسئله‌ای، صاحب رأی و نظر است، زمینه‌بازتعریف مفاهیم جدید همچون اخلاق و قدرت را فراهم کرد. با آغاز بعثت رسول الله (ص)، عصر تازه‌ای در حوزه روابط اجتماعی و فرهنگی آغاز شد. محتوای عمیق آیین اسلام و سیره رسول الله (ص) مبتنی بر ایدئولوژی، افق‌های جدیدی را در مفاهیم اجتماعی و انسانی پدید آورد و دو مفهوم «اخلاق» و «قدرت» و رابطه آن دو از جمله مواردی است که در سیره فردی و اجتماعی پیامبر (ص)، صورت‌بندی مفهومی تازه‌ای یافتند.

به استناد منابع معتبر دینی و علمی، رسول الله (ص) متخلق به اخلاق بودند و در حوزه فردی و اجتماعی واجد فضایل اخلاقی برجسته‌ای بودند و همواره در همه امور تأکید و تعهد ویژه‌ای به رعایت اخلاق داشتند. تحقیقاً این موضوع قابل طرح است که رسول الله (ص) به جهت جایگاه اجتماعی و مقام الهی، هیچ‌گاه اقدامی خلاف موازین اخلاقی مرتکب نشده‌اند؛ چه مقطعی که در معرض شدیدترین تهدیدات و تحریم‌ها قرار داشتند یا زمانی که در اوج قدرت بودند. علاوه بر این، در آیین جدید نیز اخلاق از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و یکی از سه بخش اصلی (اعتقادات، اخلاقیات، احکام) آموزه‌های آن به حساب می‌آید (محدثی، ۱۳۸۵، ص ۵۴). بر این اساس، در فضای جدید بعد از ظهور اسلام، «اخلاق» جان تازه‌ای یافت و در نظام معنایی و اجتماعی جامعه نوین دینی، موقعیت برجسته‌ای پیدا کرد.

با عنایت به سیره پیامبر اکرم (ص)، اخلاق و قدرت، دو عامل نیرومند و تأثیرگذار در حیات انسانی-اجتماعی عصر رسول الله (ص) به شمار می‌آیند که بررسی ارتباط آن دو شناخت کامل‌تر تحولات آن دوره را به همراه دارد. بر این اساس، سؤال قابل طرح این است که با توجه به سیره اجتماعی پیامبر (ص)، چه رابطه‌ای میان قدرت و اخلاق وجود دارد؟

اهتمام پیامبر (ص) به اخلاق و برخورداری از فضایل اخلاقی، به خلق قدرت بی‌نظیری انجامید که در حل مسائل تأثیری شگرف داشت. بر خلاف برداشت سنتی از مفهوم قدرت؛

ویژگی‌های اخلاقی پیامبر (ص) در آن زمان، شکل جدیدی از قدرت را نمودار ساخت؛ به گونه‌ای که «توان انجام تغییر و تأثیرگذاری»؛ از محورهای اصلی در مفهوم قدرت، در گونه جدید به شکل وسیع‌تر و عمیق‌نمود یافت. این مهم به عنوان فرض مقاله مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

## ۲. پیشینه تحقیق

درباره تحولات عصر رسول اکرم (ص)، آثار زیادی نگاشته شده و بررسی زوایای این مقطع همچنان یکی از محورهای مهم مطالعاتی و تحقیقاتی است. در رابطه با سیره اخلاقی و سیاسی پیامبر (ص)، آثاری وجود دارد که هر کدام جنبه‌ای از موضوع را مورد کنکاش قرار داده‌اند. برای مثال، مقاله «سیره اخلاقی پیامبر اکرم (ص)»، نوشته محمد تقی منانت پور (۱۳۹۳) به گوشه‌ای از سیره و شخصیت اخلاقی آن حضرت پرداخته است. همچنین مقاله «سیره سیاسی پیامبر اکرم (ص)» نگاشته موسی عزیزی (۱۳۹۱)، به موضوع تشکیل حکومت و سیره سیاسی آن حضرت و ویژگی‌هایی چون انعطاف، گفت‌وگو و... پرداخته است. در مقاله رضا سروری و قربانعلی قربانزاده (۱۴۰۰) با عنوان «بررسی سیره تربیتی - سیاسی پیامبر (ص) با تأکید بر تألیف قلوب» به تألیف قلوب به عنوان یکی از مهمترین راهبردهای پیامبر اکرم (ص) در راستای تحقق و پیشبرد اهداف رسالت توجه شده است. بخش قابل توجهی از آثار و تحقیقاتی که تا کنون مرتبط با موضوع این مقاله نوشته شده بر تبیین فضایل اخلاقی و سیره سیاسی پیامبر (ص) و ارائه مصادیق، تمرکز داشته‌اند. درحالی که در مقاله پیش رو، به «فضایل و ویژگی‌های اخلاقی پیامبر (ص)» در ارتباط با مفهوم «قدرت» توجه و تمرکز شده و فضایل اخلاقی آن حضرت به عنوان یکی از منابع تولید قدرت در نظر گرفته شده است. از این رو، سعی شده تا نشان داده شود که فضایل اخلاقی پیامبر (ص) چگونه قدرت‌آفرین بوده‌اند و آثار عینی آن چه بوده است.

## ۳. چارچوب مفهومی

### ۳.۱. مفهوم قدرت و انواع آن

قدرت، ماهیتاً مفهومی مناقشه‌برانگیز و چند بُعدی است که قدمتی به بلندای حیات آدمی دارد (کلگار، ۱۳۸۳، ص ۱۰۹). به نظر نمی‌آید «قدرت» را بتوان یک مرتبه و برای همیشه معنا کرد. جهت



پرداختن به تعریف قدرت، متغیرهای زیادی وجود دارد که لحاظ ساختن آنها تعدد و تراکم مطالب پیرامون قدرت را رقم زده و مناقشات فکری درباره مفهوم و قلمرو آن را تداوم بخشیده است. در رابطه با تعریف قدرت گفته شده که همانند عشق است و تجربه کردن قدرت آسانتر از تعریف آن است (نای، ۱۳۹۲، ص ۱۲). علاوه بر این، قدرت، مفهومی برساخته اجتماعی است و کاربست آن به شکل قابل ملاحظه‌ای وابسته به متن جامعه و محیط انسانی است. این امر نیز در پویایی و سیالیت مفهوم قدرت، نقش دارد (ترزا، ۱۳۸۹، ص ۵۵-۵۴).

با وجود تعاریف متنوعی که در ذیل «قدرت» مطرح شده و خواهد شد، عبارتی که تا حدودی بتوان آن را فصل مشترک کلیه تعاریف به حساب آورد این است؛ «نیرو و یا عنصری که توانایی لازم جهت پیشبرد اهداف و محقق ساختن برنامه‌هایش را داشته باشد». قدرت در واقع، امکانات و ابزارهایی دارد یا در اختیار گرفته که به مدد آنها قادر به تأثیرگذاری، انجام تغییرات، تحقق امر مطلوب خود و همراهسازی دیگر افراد است. بر همین اساس، قدرت، تجلی‌گر توانمندی یک کنش‌گر در تأثیرگذاری مؤثر بر روند تحولات در ایجاد تغییرات مورد نظر است.

با عنایت به اهمیت و قدمت مفهوم قدرت در روابط انسانی و اجتماعی، معمولاً در دوره‌های مختلف و به اقتضای تطورات موجود در حیات انسان‌ها، گونه‌هایی از قدرت متجلی شده است. قدرت سخت، از پرکاربردترین و قدیمی‌ترین گزاره‌ها در مفهوم قدرت است. تعریفی سخت‌افزارانه از «قدرت» به معنای توانایی در مجبور ساختن دیگران به انجام خواسته‌های طرف دیگر با استفاده از ناهمترای‌های ناشی از برخورداری منابع مادی، با توسل به اقدامات، ابزارها، تصمیمات آشکار و مستقیم است (مرادی، ۱۳۸۹، ص ۷۲). قدرت سخت عمدتاً متناظر به منابع سنتی قدرت شامل جمعیت، سرزمین، منابع طبیعی، اندازه اقتصاد، حجم روابط تجاری، نیروی نظامی، قدرت دریایی، ثبات سیاسی و ... است. به طور کلی منابع ملازم با قدرت سخت در بردارنده عناصر مادی و ملموس هستند (نای، ۱۳۹۲، ص ۴۷). در این تعریف، قدرت با منطقی از بالا به پایین، ماهیت تصلیبی، متمایل به سکون و استوار بر سرمایه مادی و منابع محسوس است. قدرت نرم گونه دیگری از مفهوم قدرت است که افق تازه‌ای را در سلسله مباحث مربوط به قدرت فراهم آورد و کاربرد زیادی نیز پیدا کرد. توان اثرگذاری، هدایت رفتار و علایق افراد، همچنین شکل دادن اولویت‌ها و تأثیر بر ترجیحات دیگران، از طریق ایجاد رغبت و جاذبه مثبت در راستای کسب نتایج مورد نظر از محورهای مهم در تعریف قدرت نرم است (نای، ۱۳۹۲، ص ۴۷). قدرت نرم که از آن با عنوان چهره دوم قدرت نیز یاد می‌شود، بر توانایی در تغییر رفتار بازیگران،

به دور از اجبارکنندگیِ عریان، استوار است. قدرت نرم، با جایگزینی جذب به جای جبر، بر منابع غیرملموس قدرت نظیر هنجارها، گفتمان‌ها، ایدئولوژی و نهادها متکی است و از فرهنگ، ارزش‌ها و نحوه رفتار برمی‌خیزد (نای، ۱۳۸۷، ص ۱۸). قدرت نرم بر خلاف قدرت سخت، صرفاً به دنبال تغییر ساده رفتار افراد نیست، بلکه پیش از آن مترصد تغییر نگرش‌ها و درونی‌سازی ارزش‌ها و آرمان‌هاست. در واقع، به جای سیطره بر جغرافیای جوامع انسانی، تصرف ذهن‌ها و نفوذ در قلب‌ها، مورد نظر است. ویژگی قدرت نرم این است که پدیده‌ای اجتماعی، چهره ژلاتینی، مبتنی بر رفتار جذب‌کنندگی، استوار بر هنجارها و سرمایه اجتماعی است.

گونه‌سومی از قدرت نیز با عنوان «قدرت هوشمند یا مرکب» وجود دارد که طرح و تعبیر آن جدید است و مفهوم قدرت را پایدارتر نشان می‌دهد. در این گونه قدرت، محور توانایی سخت افزارانه، به محور توانایی نرم‌افزارانه و دانایی هوشمندانه تغییر جهت می‌دهد. مفهوم قدرت هوشمند رویکرد ترکیبی دارد و در آن شکل و کیفیت اعمال قدرت متفاوت در نظر گرفته می‌شود (شهرستانی، ۱۳۹۱، ص ۱۰۵). در قدرت هوشمند، ترکیب و تلفیق دو وجه قدرت سخت و نرم برای دستیابی به راهبردهایی کارگشا، بخش اساسی ساختار آن به حساب می‌آید. در این متن، از میان مطالب متعددی که پیرامون قدرت، مفهوم و ابعاد آن وجود دارد گزاره «ایجاد تأثیر و توان تأثیرگذاری» مورد نظر است.

### ۳.۲. جایگاه و تأثیر اخلاق در مناسبات اجتماعی و سیاسی

«اخلاق» از مقولات محوری در عرصه حیات اجتماعی انسان‌ها بوده است. فراخ‌دامنی قلمرو اخلاق به گونه‌ای است که هیچ حوزه‌ای از حیات آدمی یافت نمی‌شود که فارغ از ملاحظات و مسئولیت‌های اخلاقی باشد (خنیفر و اسماعیلی، ۱۳۸۹، ص ۵۰۷). کاربرد اخلاق در حیات انسان و سرنوشت زندگی بشر امری تزئینی - تجملی و تفریحی نیست، بلکه اهمیت بنیادین دارد. وجود یا عدم وجود آن، تحول‌آفرین و تأثیرگذار است. فضایل اخلاقی یکی از بُعدهای مهم اخلاق به حساب می‌آید که با توجه به محورهای مستور در آن، از ظرفیت‌های متراکمی برخوردار است و توان تأثیرگذاری بسیار بالایی در جهت‌دهی روابط اجتماعی و انسانی دارد. به این خاطر می‌توان آن را در ارتباط با مفهوم قدرت بررسی کرد و به عنوان یکی از مهم‌ترین منابع مؤثر در تولید قدرت به حساب آورد. بر این اساس، برخورداری از خصائص و فضایل اخلاقی والا، در سطح روابط فردی و مسائل اجتماعی، کارکرد فراوان و قابلیت‌های متنوعی دارند و اهمیت آن را



نباید صرفاً به رفتارهای فردی و جزئی تقلیل داد، بلکه دامنه اثرگذاری و اثربخشی آن به سطوح بالای اجتماعی و مسائل حاکمیتی نیز کشیده می‌شود (دامغانی، ۱۳۸۳، ص ۱۸۳). در جدول زیر ضمن بیان ذکر فضایل اخلاقی، آثار فردی و اجتماعی آن و همچنین نمود آنها در عرصه اجتماعی و حکومتی بیان شده است.

آثار فردی و اجتماعی و تبلور آن در عرصه حکمرانی و حیات اجتماعی	فضائل اخلاقی
<ul style="list-style-type: none"> <li>- تأثیر آن - به تعبیر فارابی - در انسجام بخشی اجزا و مراتب مدینه فاضله (فارابی، ۱۴۰۵، ص ۷۱) و ساماندهی جامعه آرمانی.</li> <li>- رشد فردی، سازندگی اجتماعی و کمال بخشی به حیات انسانی. به تعبیر امام صادق (ع) اخلاق نیک، شهرها را آباد و عمرها را زیاد می‌سازد (عاملی، ۱۳۹۱ ق، ج ۸، ص ۵۰۴).</li> <li>- قرار گرفتن در مسیر درست بهره‌گیری از استعدادها و شکوفایی توانمندی‌های انسانی.</li> <li>- پاسداشت حریم‌ها و حرمت‌ها، اعتمادبخشی و برانگیختن حس احترام و محبت افراد</li> <li>- مردم‌داری؛ تألیف قلوب و تسخیر دل‌ها.</li> <li>- آراستگی نفس و توان‌یابی در مهار خواهش‌های مُخترَب نفسانی.</li> <li>- بروز رفتارهای سنجیده و خویشتندارانه؛ میانه‌روی و اجتناب از انجام قضاوت‌های هیجانی و اقدامات شتابزده.</li> <li>- پرهیز از اختلافات و پراکندگی و گرایش به وفاق وحدت و همزیستی مسالمت‌آمیز (با درک تفاوت‌ها).</li> <li>- تحکیم روحیه وفاداری در مناسبات فردی و اجتماعی؛ پابندی به عهود و عقود و اجتناب از بدعهدی و پیمان شکنی.</li> <li>- پرهیز از خام‌گویی و برخورداری از ادبیات تأثیرگذار؛ زبان نرم، بیان مستدل و منطقی مستحکم.</li> </ul>	<p>زهد و پرهیزکاری، صبر و رضا، استقامت، قسط و عدل، صداقت، درستکاری و نیکوکاری، خوش خلقی و مهربانی، عفت وفای به عهد، حلم، شجاعت و امانت‌داری و ...</p>



جامعه انسانی منهای اخلاق، به باغ وحشی تبدیل خواهد شد که تنها میله‌های قفس‌ها می‌تواند

جلو فعالیت‌های تخریبی این حیوانات انسان‌نما را بگیرند و زندگی انسانی مفهوم واقعی خود را از دست می‌دهد. با بررسی وضعیت جوامع گذشته، به روشنی آشکار است که از عوامل اصلی زوال دولت‌ها و اضمحلال جوامع و تمدن‌ها به مسئله اخلاق مربوط می‌شود. اگر درست به گذشته نظر شود، اقوام زیادی پیدا می‌شوند که هر کدام بر اثر پاره‌ای رذائل و انحرافات اخلاقی، شکست خورده یا بکلی نابود شدند (خنیف‌ر و اسماعیلی، ۱۳۸۹، ص ۵۲۴).

بر این اساس، گزاره‌ی نهایی و مشترک در پیرامون فضایل اخلاقی، «اثر بخشی و اثرگذاری بسیار زیاد بر بنیان‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه» است؛ به گونه‌ای که زیرساخت‌های جامعه و تمدن بشری را تحت تأثیر قرار می‌دهد (بحرینی، ۱۳۸۹، ص ۷۷) و چنانچه اخلاق، مایه‌ی حیات انسانی و فرهنگی جامعه در نظر گرفته شود، مبالغه نشده است (خنیف‌ر و اسماعیلی، ۱۳۸۹، ص ۵۲۴). در پایان این مبحث، نتیجه را در سه بند می‌توان بیان کرد:

۱. تأثیر حسن اخلاق و فضایل اخلاقی در میان مردم «اصیل، ژرف، فراگیر و پایدار» است و نباید آن را صرفاً به پاره‌ای رفتارها و عادت‌های اخلاقی فروکاست (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۶، ص ۵۲)؛ زیرا تحویل اخلاق به رفتار، تقلیل‌گرایانه است و تلقی ابزارانگارانه و سطحی از اخلاق، اخلاق‌ورزی را از میان برمی‌دارد و آن را با چالش‌های زیادی مواجه می‌سازد (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۸، ص ۷۱).

۲. پایبندی به اخلاق سبب سودآوری، برتری رقابتی و مزیت راهبردی می‌گردد. به بیان دیگر، اخلاق با بهینه‌سازی عملکرد، مزیت رقابتی می‌آفریند (فرامرز قراملکی، ۱۳۸۸، ص ۱۶).

۳. ضرورت توجه به این اصل کلیدی که بروز تأثیرات پایدار و ماندگار، منوط به «پیوستگی و استمرار در رفتارهای اخلاقی» است. بدون تردید، اخلاق‌ورزی، به صورت پراکنده و مقطعی، اثر کافی برجای نمی‌گذارد.

#### ۴. اخلاق‌مداری پیامبر اکرم (ص) تأثیر آن در برانگیختن حس محبت و احترام مردم

بدون تردید، از ویژگی‌های برجسته رسول خدا (ص) برخوردار از اخلاق والا و متعالی است. فضایل اخلاقی به برترین شکل ممکن در سیره حضرت محمد (ص) تجلی داشت. موضوعی که در معتبرترین متن اسلامی، به روشنی بدان پرداخته است. در قرآن کریم، رسول خدا (ص) به هیچ وصفی برتر از اینکه خُلُقِ عظیم دارد (سوره قلم، آیه ۴۰) ستایش نشده است. علاوه بر این، رسول الله (ص)، اساس بعثت خود را تکمیل مکارم و محاسن اخلاقی ذکر کرده‌اند. رعایت موازین



اخلاقی، در سیره عملی و نظری حضرت به شکل پیوسته تداوم داشت. تأثیر گسترده و ویژگی های اخلاقی پیامبر (ص) در ارتباط با مردم و جامعه، در قرآن مورد توجه و تأکید قرار گرفته؛ به گونه ای که تصریح شده «ای پیامبر! اگر تندخو و سخت دل بودی از گرد تو پراکنده می شدند» (سوره آل عمران، آیه ۱۵۹). اهمیت و تأثیر شگرف فضایل اخلاقی پیامبر به اندازه ای بود که از آن با عنوان «معجزه دوم رسول الله (ص)» یاد می شود (بهشتی، ۱۳۸۷، ص ۱۵۷). همین ویژگی ها سبب شد تا شایسته عنوان «اسوه حسنه» شود و به عنوان الگویی نیکو برای مردم در هر عصر و نسلی معرفی شود.

در دوران پیش از بعثت، بر اساس روایات متعدد و مبرهن تاریخی، مهم ترین ویژگی پیامبر اکرم (ص) «برجستگی اخلاقی» ایشان بود، به اندازه ای که در میان گروه های مردمی بدان اشتها یافتند. حضرت محمد (ص) با توجه به عملکردش در میان اهالی مکه، به جهت «حسن سلوک، صدق در گفتار و راستی در کردار» از مقبولیت و اعتبار بالایی برخوردار بود، تقریباً تمامی مردم و ساکنین مکه به «پاکی نفس و عمل» حضرت اذعان داشتند. لقب «محمد امین» یا «امین قریش»، عنوان معروفی که در مکه به پیامبر (ص) تعلق گرفته و ناشی از رفتار نیک ایشان در دوران جوانی بود (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۷۴). مورخین مختلف، به صراحت به این موضوع اشاره دارند. عبارتی نظیر، «محمد (ص)؛ معتمد و مؤتمن قوم، صاحب صفات پسندیده و نفس مطهر، نهایت صداقت و امانت داری، جمع شدن تمامی کارهای نیک در وجودش، پرهیز از انواع پلیدی ها و آلودگی ها در دوران جوانی، پرورده در پرده عصمت، اعراض از کارهای ناپسند جاهلی، رعایت اصول اخلاقی، آداب معاشرت، پاسداشت حقوق مردم، از همه برتر در خوشخویی، راستگوتر و امانت دارتر، به دور از اخلاق نکوهیده و... بخشی از تعابیری که پیرامون ویژگی های اخلاقی پیامبر (ص) ذکر شده است (ابن عمر، ۱۳۸۲، ص ۲۶-۲۷، ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۱۰-۱۴۳، قاضی ابرقوه، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۷۵-۱۶۳-۱۶۵، طبری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۸۴۱، مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۲۸، ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۱۸).

پیامبر اکرم (ص) در دوران جاهلیت و در عنوان جوانی، با وجود انواع آلودگی های اجتماعی و پلیدی های شهوانی، به تصریح متون تاریخی، هیچ گاه گرد بازی های جوانی و مجالس عیش و نوش و هوس های جاهلی نگشت و از آلودگی ها و پلیدی های آن زمان پرهیز می کرد (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۲۸). همچنین از عادات زشتی که مردان به آن مبتلا بودند پاک بود (یوسفی غروی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۲۵۴). ابن عمر اشاره دارد که «سید علیه السلام، در پرده عصمت، پرورده بود، نفس



وی مطهر بود از عادات جاهلیت و مقدّس بود از هوا و هوس. چنانکه عادت کودکان بود، نبازی و چنانکه طبع جوانان بود، نخندیدی» (ابن عمر، ۱۳۸۲، ص ۲۶-۲۷. قاضی ابرقوه، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۶۳). مؤلف دلایل النبوه آورده که پیامبر اکرم (ص) «مرتکب هیچ کاری از کارهای ناپسند دوره جاهلی نشد» (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۱۰) و تا هنگامی که به بلوغ رسید به لحاظ رعایت اصول اخلاقی، آداب معاشرت، رعایت حقوق مردم و به ویژه حق همسایگی از همه برتر، خوش خوی، راستگوتر و امانت‌دارتر بود و از اخلاق نکوهیده و ناروا و بویژه ناسزاگویی پاک و به دور بود (بیهقی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۱۹۹).

با مطالعه و بررسی سیر زندگی محمد (ص) پیش از بعثت با مردم آگاهانه در ارتباط و تعامل بود. زمانی که بر نصب حجرالاسود کشمکش در گرفت و نزدیک بود نزاع خونینی شکل گیرد، با رأی خردمندانه ماجرا را خاتمه داد (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۲۶، امین عاملی، ۱۳۷۶، ج ۱، ص ۱۹). در هر کار نیکی شرکت می‌جست. با رغبت فراوان برای جلوگیری از ظلم و تعدی زورگویان و به منظور دفاع از ستمدیدگان به پیمان «حلف الفضول» درآمد (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۱۷). هیچ‌گاه به شراب لب نزد از گوشت قربانی‌ها نمی‌خورد. در ایام عید و سایر مراسم، در مجلس‌ها حضور پیدا نمی‌کرد و همیشه از بت بیزار بود (بیهقی، ۱۳۶۱، ج ۱، ص ۲۰۱-۲۰۲). هیچ‌گاه به بتی دست نکشید و تحمل شنیدن سوگند به لات و عزّار را نداشت (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۱۷). به جای آن، «تحنّث» می‌کرد. زاد و توشه‌ای اندک با خود بر می‌داشت چند شبانه‌روز در خلوت معتکف می‌شد و به تفکر در هستی و ستایش خداوند مبادرت می‌ورزید (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۵۳).

در تبیین زوایای ویژگی‌های اخلاقی پیامبر (ص) این نکته قابل توجه است که در دوران پیش از بعثت، با توجه به قحطی مکه و عیال‌واری ابوطالب وضعیت دشواری برای ابوطالب پیش آمده بود. حضرت محمد (ص) به عباس بن عبدالمطلب گفت: تو از این سختی که اکنون پدید آمده اطلاع داری و اوضاع ابوطالب را هم می‌دانی. اکنون لازم است هر کدام یکی از فرزندان او را تکفل کنیم؛ تا او از این سختی‌هایی یابد. در این هنگام حضرت رسول و عباس نزد ابوطالب رفتند و مطالب خود را به او اظهار داشتند. ابوطالب گفت: عقیل را برای من بگذارید و دیگران را با خود ببرید. پیغمبر، علی، را با خود برد و او از سن شش سالگی همواره نزد پیامبر (ص) بود؛ تا آن‌گاه که آن حضرت به رسالت برانگیخته شد (بلاذری، ۱۳۹۷/۱۳۹۴، ق، ج ۲، ص ۹۰).

قبل از بعثت، از دلایل اصلی حضور پیامبر (ص) در کاروان‌های تجاری، به محاسن اخلاقی ایشان مربوط می‌شد (گورگیو، ۱۳۹۴، ص ۳۸-۳۳). در واقع، امانت‌داری و درست‌کرداری



پیامبر (ص)، سبب شد تا بازرگانان مکه متمایل به همکاری با او باشند و با طیب خاطر و اطمینان از ایشان، سرمایه‌هایشان را به او بسپارند. خدیجه بن خویلد که در مکه زنی تجارت‌پیشه و ثروتمند بود، مردان امین و پاک‌دست را شناسایی و برای بازرگانی اجیر می‌کرد و سرمایه‌ای از مال خویش در اختیارشان می‌گذاشت تا به تجارت بپردازند (طبری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۸۷۰). در روایات آمده «راستگویی، امانت‌داری و خوش خلقی» رسول خدا (ص) که زبانزد همگان شده بود به گوش خدیجه رسید (طبری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۸۷۰؛ ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۲۰) و او نیز به محمد (ص) اعتماد پیدا کرد (ابن عمر، ۱۳۸۲، ص ۲۷) و به ایشان پیشنهاد داد که با سرمایه‌اش، برای تجارت رهسپار شام شود (آیتی، ۱۳۷۸، ص ۶۸-۶۹). در نهایت، این سفر به بهترین شکل ممکن و با سود تجاری فراوان پایان یافت (ابن سعد، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۱۹).

محاسن و فضایل اخلاقی محمد (ص) سبب شد تا خدیجه علاقمند به ازدواج با ایشان شود.

خویلد به دخترش، خدیجه گفت «هر چه به قریش اندر توانگراند ترا بخواستند و من اجابت نکردم، اکنون چگونه به مردی درویش راضی شوم. خدیجه گفت: مردمان دانند که مرا به خواسته کس حاجت نیست، محمد را به قریش اندر همتا نیست و به میان مردمان پسندیده و امین است و به راستی و دیانت او کس نیست و کس او را به چیزی متهم نتواند کردن چنانکه جوانان را» (بلعمی، ۱۳۷۳، ج ۳، ص ۲۶-۲۵).

در دیگر روایات آمده که خدیجه به پیامبر اکرم (ص) بیان داشتند «بخاطر بزرگواری تو در میان قوم و امانت‌داری و اخلاق نیک و راستگویی ات مایلیم با تو ازدواج کنم» (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۰۰-۲۰۱). طبری نیز در روایت مشابهی آورده که خدیجه به پیامبر (ص) پیغام داد که به سبب شرف، امانت، نیک‌خویی و راستگویی به تو راغبم (طبری، ۱۳۷۵، ج ۳، ص ۸۳۲-۸۳۳).

در ماجرای نصب حجرالاسود، گوشه دیگری از «صداقت و امانت‌داری رسول الله (ص)» مشخص شد. در این رابطه، دو نکته برجستگی دارد؛ نخست، طبق آنچه که معروف است بر سر نصب سنگ، میان طوایف قریش نزاع سختی در گرفت و هر کدام از تیره‌های قریش، شمشیرهایشان را در خون فرو کردند و عهد کردند که تا پای مرگ ایستادگی کنند و مهیای جنگ شده بودند (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۲۶). به گفته سران طوایف، این منازعه تنها با خون حل می‌شد و نزدیک بود به فتنه‌ای بزرگ تبدیل شود (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۲۸-۱۲۷؛ امین‌عاملی، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۹). در نهایت، با اتفاقاتی که رقم خورد، قرار بر حکمیت گذاشتند. وقتی حضرت محمد (ص) وارد گردید «همگی خوشحال و خرم شدند که شخص امینی وارد شد بالاتفاق بیان

داشتند: «این امین است، به حکم وی تن می‌دهیم و ما به حکم محمد راضی هستیم» (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۲، ص ۱۲۷؛ قاضی ابرقوه، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۷۵)؛ چون رفتارش درست، باوقار، راستگو و از پلیدی‌ها و آلودگی‌ها به دور است (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۶۲۸).

نکته دوم اینکه در این ماجرا، «تأثیر موقعیت اخلاقی محمد (ص) در پذیرش و تبعیت مردم از رأی وی» متجلی گردید. زمانی که نظرش را بیان داشتند سران طوائف به استناد حسن سابقه و اخلاق حضرت، پیشنهادش را پذیرفتند. از این رو، مشخص شد که در این دوره، حسن اخلاق محمد (ص)، چگونه سبب برانگیختن احترام، اعتماد و محبت مردم شده بود.

## ۵. تأثیر ویژگی‌های اخلاقی رسول الله (ص) در تبلیغ اسلام

با توجه به تأثیرگذاری فراوان اخلاق در سطح روابط فردی و اجتماعی، برخورداری پیامبر اکرم (ص) از این ویژگی به مثابه منبع قدرت، توانی به ایشان بخشید که جنبه نرم و نامحسوس داشت و منشأ تأثیرات و تغییرات گسترده‌ای شد. علاوه بر این، معارف و آموزه‌های روح بخش آیین جدید نیز ارتباط وثیقی با اخلاق داشت. از این رو، اخلاق به شکل اساسی بر تولید جذابیت و قدرت افزود. جامعه مخوف و وحشتناک عصر جاهلیت که به لحاظ اخلاقی سخت مریض بود، در پایین‌ترین سطح به لحاظ اهتمام به ارزش‌های انسانی قرار داشت و تنها بوی خشونت، شهوت و قدرت‌پرستی می‌داد» (آرمسترانگ، ۱۳۸۳، ص ۶۵-۶۶، ۱۰۶). شخصیت را به سمت خود اخلاق محور پیامبر (ص)، بسان آهن ربایی که قلب‌ها و اندیشه‌ها جلب و جذب کرد. سخن قرآن در این رابطه که «هر آینه اگر بد اخلاق بودی مردم از گرد تو پراکنده می‌شدند» (سوره آل عمران، آیه ۵۹) گویای موضوع است. با شروع دوران بعثت و مأموریت پیامبر در ابلاغ آیین جدید، تأثیر ویژگی‌های اخلاقی پیامبر (ص) در رخدادها و تحولات این عصر نمایان است.

## ۵.۱. پذیرش موقعیت جدید رسول الله (ص) و گرایش به ایشان

نخستین تأثیر جایگاه اخلاقی بالای پیامبر (ص) در گرایش افراد مختلف - از نزدیک‌ترین تا دورترین افراد - به آن حضرت نمودار شد. زمانی که پیامبر (ص) مأمور امر رسالت شد به دلیل ویژگی‌های اخلاقی و نگرش مثبتی که به ایشان وجود داشت، سبب شد تا افراد با اطمینان خاطر بدان بیندیشند (آرمسترانگ، ۱۳۸۳، ص ۱۰۰)؛ زیرا شخصی که مسئولیت عرضه آیین جدید را بر عهده



داشت در سطح جامعه به عنوان شخصیتی «معتمد، صادق و امین» شناخته می‌شد و بخش زیادی از مردم مطمئن بودند که محمد امین (ص) قصد «ماجراجویی، فتنه‌گری، سودجویی، فریب‌کاری و جاه‌طلبی» ندارد.

### ۵. ۱. ۱. واکنش نزدیکان رسول الله (ص)

نزدیک‌ترین فرد به پیامبر (ص) همسرش خدیجه بود. به خاطر حسن اعتماد و شیفتگی به اخلاق پیامبر (ص) بود که نخستین فردی گردید که به اسلام ایمان آورد. در تمامی منابع قدیم و تحقیقات جدید به این موضوع تصریح شده زمانی که رسول الله (ص) مضطرب و متحیر از غار حرا برگشت، خدیجه با دیدن حال و روز پیامبر (ص)، بی‌درنگ گفته‌هایش در امر رسالت را تصدیق کرده و به حضرت قوت قلب و امیدواری داد (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۷۵): «تو مردی امین و راستگو، دادرس مظلومان و طرفدار حق و عدالت هستی، قلبی رئوف و خوبی پسندیده داری. تو با خویشان نیکی می‌کنی اگر به چنین جایگاهی رسیده‌ای جای شگفتی نیست». در جریان محاصره مسلمانان در شعب ابی‌طالب، در شرایطی که مسلمین وضعیت بسیار سختی را می‌گذرانیدند کلیه دارایی خدیجه صرف حمایت از مسلمانان و رسول الله (ص) گردید (طبرسی، ۱۴۱۷ ق، ص ۵۰). اساس باور عمیق و اعتماد وافر حضرت خدیجه به پیامبر (ص)، سلامت نفس، اخلاق نیک و خوی شایسته حضرت بود که سبب شد تا خدیجه (س) با تمام توان، ثروت و شهرتش، مطیع و معتقد به بعثت حضرت شود و از هر کاری در راستای پیشبرد رسالت دریغ نرزد (نک: فروهی و دیگران، ۱۳۹۶، ص ۳۱۰۵۷).

ابوطالب - عموی پیامبر (ص) - نمونه دیگری از افراد نزدیک به حضرت بود که پشتیبانی کاملی از ایشان مبذول داشتند. با وجود آنکه بزرگ قریش و سالخورده قوم بود و مدتی نیز سرپرستی پیامبر (ص) را بر عهده داشت بر خلاف فرهنگ متعارف قبیله‌ای-جاهلی، حمایت بی‌سابقه‌ای از حضرت محمد (ص) به عمل آورد. وی اعتماد خدشه‌ناپذیری به پیامبر (ص) داشت و احترام فوق‌العاده‌ای برای ایشان قائل بود (آرمسترانگ، ۱۳۸۳، ص ۱۳۴). ابوطالب خطاب به یکی از فرزندان‌ش جهت پیروی از محمد (ص) چنین می‌گوید «فرزندم! بدان که به خدا قسم محمد از روز اول امین بوده است» (یوسفی غروی، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۲۲). وی در راستای کمک به پیامبر (ص) «سعی بلیغی» نمود (ابن عمر، ۱۳۸۲، ص ۷۱).



ابوطالب هیچ‌گاه پیامبر (ص) و آیینش را تکذیب نکرد و با آن موقعیت اجتماعی و سن و سالش، خود را وقف پیامبر کرد (جعفریان، ۱۳۸۳، ص ۲۵۷-۲۵۶). با وجود آنکه دائم توسط سران مشرک در فشار بود تا پیامبر (ص) را از ادامه مسیر باز دارد و دست از حمایت او بکشد، در برابر فشارها تسلیم نگردید، بلکه به شکلی عاقلانه و در عین حال محکم و قاطع، از پیامبر (ص) دفاع کرد (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۸۲-۳۸۰). او به صراحت، به پیامبر (ص) گفت در کنارت خواهم بود و تا زنده‌ام نخواهم گذاشت به تو آسیبی برسانند: «فرزند برادرم، برو و هرآنچه دوست داری بگو. به خدا قسم! تو را بخاطر هیچ چیز تسلیم قریش نخواهم کرد و تا آخرین نفس از تو دفاع خواهم کرد (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۸۲-۳۸۰). قصایدی از ابوطالب در وصف و مدح پیامبر (ص) وجود دارد که نشان می‌دهد به چه میزان برای رسول الله احترام قائل بوده و به وی ارادت می‌ورزید (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۸۸-۳۸۹).

پشتیبانی گسترده ابوطالب از پیامبر (ص)، «فداکاری ابوطالب در راه برادرزاده‌اش» (گنورگیو، ۱۳۹۴، ص ۱۳۳)، ناشی از اعتماد کاملی بود که به برادرزاده راستگو و امین خود داشت. به اندازه‌ای که حضرت اطمینان داشت که نه تنها مانع فعالیت‌های ایشان نشد، بلکه پشتیبان و حامی تمام عیار پیامبر (ص) بود و بی‌چون و چرا از ایشان حمایت کرد (ابن‌اسحاق، ۱۳۹۸، ق: ۱۳-۱۲). علی بن ابیطالب (ع) از دیگر افراد بسیار نزدیک به پیامبر (ص) بود که با شنیدن پیام جدید، آورنده آن را تصدیق کرده و به اسلام ایمان آورد. سخن توماس کارلایل اشاره به همین موضوع دارد که «هر فردی هر چه محتاط و محافظه‌کار باشد، باز هم نمی‌تواند ویژگی‌های زندگی خود را از فامیل و نزدیکان خود بپوشاند. اگر محمد (ص) دارای روحیات و کردار بدی بود هرگز بر اقوام پوشیده نمی‌ماند و آنها به او گرایش پیدا نمی‌کردند» (سبحانی، ۱۳۸۳، ص ۷۹۸).

## ۵. ۱. ۲. نگرش دیگر بستگان و مردم

علاوه بر گرایش نزدیکان، دیگر افراد نیز با توجه به پیشینه اخلاقی پیامبر (ص) نسبت به امر جدید، یعنی تبلیغ اسلام، موضعی خوشبینانه داشتند و این امر تأثیر مهمی در گرایش به اسلام داشت. در نخستین روزی که پیامبر (ص) اذن یافت دعوت خود را علنی کند، بر فراز کوه صفا خطاب به جماعت قریش فرمودند: «اگر شما را خبر می‌دادم که سپاهی در پایین این کوه جای گرفته است آیا سختم را باور می‌کردید؟ گفتند: آری! تو در نزد ما متهم نیستی و ما از تو دروغ نشنیده‌ایم» (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۸۴. امین عاملی، ۱۳۹۱، ق، ج ۱، ص ۶۲، سبحانی، ۱۳۸۳، ص ۲۵۷). گفته شده در آن



زمان شمار زیادی از اهالی مکه دعوت حضرت را پذیرفتند، مشرکین مکه و روسای قریش وقتی این وضع را مشاهده کردند احساس خطر کرده و با استفاده از نفوذ قبیله‌ای در اعمال فشار بر مردم، مانع از پذیرش اسلام شدند (جعفریان، ۱۳۸۳، ۳۴۳). در «یوم‌الانذار» زمانی که پیامبر (ص) در محفل خانوادگی اقوام و اقارب خود را دعوت به اسلام کرد مشابه موضع قبلی، نسبت به حضرت بیان شد. حاضران در اینجا نیز به تصدیق راستگویی و راست‌کرداری پیامبر (ص) اشاره کردند (ابن اسحاق، ۱۳۹۸ ق، ص ۱۴۵). همچنین در جریان مهاجرت مسلمانان به حبشه، جعفر بن ابی طالب سخنگوی مسلمانان خطاب‌ای که ایراد کرد به خوبی گویای این موضوع است: «خداوند در میان ما پیغمبری برانگیخت که صداقت، امانت و عفتش را به خوبی می‌دانستیم به همین خاطر حرفش را پذیرفتیم و به آیین اسلام درآمدیم» (قاضی ابرقوه، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۱۹، ابن اثیر، بی تا، ج ۷، ص ۸۸).

### ۵. ۱. ۳. نگرش مشرکان مکه

نکته مهم و قابل توجهی که مؤید مدعای مذکور است اینکه حتی مخالفین پیامبر اکرم (ص) نیز به شخصیت اخلاقی حضرت تأکید داشتند. مشرکان مکه و دشمنان قسم‌خورده اسلام، سرسخت‌ترین دشمنان رسول الله (ص) به‌ویژه سران آنان نظیر ابوجهل، ابوسفیان، نصر بن حارث ولید بن مغیره و ... به رغم دشمنی در نهان و آشکار، تلویحاً و تصریحاً، به فضایل اخلاقی پیامبر (ص) اذعان داشتند و گزارش‌های متعددی شاهد این اشاره مستقیم است (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۹۳-۱۹۴؛ قاضی ابرقوه، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۳۰۳-۳۰۴؛ عاملی، ۱۳۸۴، ج ۱، ص ۵۹۷-۵۹۸).

### ۶. تأثیرگذاری قدرت اخلاقی پیامبر اکرم (ص) در ساخت جامعه جدید

جامعه جاهلی پیش از بعثت، گرفتار انواع بحران‌های کوچک و بزرگ اجتماعی و خلأهای اخلاقی بود که این امر نقش اساسی در فروپاشی و اضمحلال آن داشت. با ظهور اسلام و با توجه به جایگاه برجسته اخلاق در سیره پیامبر (ص) و آیین جدید، دوران تازه‌ای از حیات اجتماعی-انسانی در شبه جزیره عربستان شروع شد (مطهری، ۱۳۹۹، ج ۱، ص ۱۶۹-۱۷۰). بدون تردید «عنصر تأثیرگذار و قدرت‌آفرین اخلاق» نقش اساسی در انهدام ساختار جامعه جاهلیت و پی‌ریزی جامعه جدید ایفا کرد. در واقع، ظهور و بروز فضایل اخلاقی به مثابه تولید نیرو و قدرتی بود که بر مبنای آن مفاهیم جدید شکل گرفت و انگاره‌های نو پدید آمد که در پی آن هنجارها و

ارزش‌ها تغییر یافت و در نهایت رفتارها اصلاح شد (نصر، ۱۳۸۴، ص ۹۱-۹۲-۱۲۰).

تأثیر ویژگی‌های برجسته اخلاقی پیامبر (ص) و نگرش مثبتی که به شخصیت ایشان وجود داشت، در تبعیت از پیامبر (ص) و حمایت وفادارانه و متعهدانه نومسلمانان از حضرت نمودار گردید (نصر، ۱۳۸۴، ص ۱۰۶). هسته نوپای مسلمانان مکه چنان ذوب در شخصیت و شیفته اخلاق وی شده بودند که در برابر فشارهای سهمگین مشرکین مکه مقاومت ورزیدند و هر گونه ستمی را تحمل کردند. تغییر آیین و ایستادگی در برابر رسوم‌های جاهلی و ساخت اجتماعی-قبیله‌ای عصر جاهلیت در آن جامعه خشک و بی‌اخلاق، کار آسانی نبود و به بهای طرد، تحمیل انواع محدودیت‌ها، محرومیت‌ها و نهایتاً از کف رفتن جان و مال‌شان تمام شد. اقدام نخست مشرکین مکه، تهدید و فشار روانی سنگین، طعنه و استهزاء علیه مسلمانان بود که با هدف تضعیف و تخریب روحیه آنان انجام می‌پذیرفت. سپس با اقدامات تخریبی گسترده نظیر بدرفتاری با آنها در قبیله، محرومیت از فعالیت‌های بازرگانی و منع خرید و فروش در بازار، مجاز دانستن طلبکاران در عدم پرداخت بدهی‌شان به مسلمانان، مجازات افرادی که با مسلمانان معامله می‌کردند، ادامه یافت (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۳۴۲، کنورگیو ۱۳۹۴، ص ۱۲۳).

برخوردهای فیزیکی و آسیب جسمانی مرحله دیگری از اقدامات خشن مشرکین مکه بود که بی‌محبا و بی‌رحمانه علیه مسلمانان بکار بستند؛ شکنجه، حبس و آزار و اذیت و حتی قتل از جمله مواردی بود که به طور دائم نسبت به تازه مسلمانان انجام پذیرفت (ابن هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۹۶-۱۹۸). سمیه مادر عمار، توسط ابوجهل به طرز فجیعی به شهادت رسید، یاسر پدر عمار نیز بر اثر این شکنجه‌ها کشته شد. عمار فرزند یاسر به اندازه‌ای شکنجه دید که سال‌ها آثار آن بر پشت او باقی مانده بود (جعفریان، ۱۳۸۳، ص ۳۴۱).

بلال بن رباح یکی از نومسلمانان بود که زجر بسیاری کشید. امیه بن خلف، صاحب بلال که از نظر سنگدلی و بی‌رحمی نسبت به مسلمانان مشهور شده بود، بلال را در گرمای سوزان روی سنگ‌ها می‌خوابانید و روی سینه‌اش سنگ داغی می‌گذاشت و می‌گفت که یا باید بمیری یا به محمد کافر شوی (منتظر القانم، ۱۳۸۳، ص ۹۱). ابوفکیه از غلامان صفوان بن امیه جمحی بود که اسلام آورد. مالکش، به اندازه‌ای او را آزار داد که پنداشتند مرده است. پاهایش را با ریسمان می‌بستند، بر روی زمین می‌کشاندند (مبارک فوری، ۱۳۸۲، ص ۱۱۶) و با تمسخر می‌گفتند تا محمد با سحرش تو را نجات دهد (ابن‌اثیر، بی‌تا، ج ۷، ص ۷۵، آیتی، ۱۳۷۸، ص ۱۲۸). ابوذر غفاری از نخستین کسانی بود که به حضرت ملحق شد. در روایات آمده آنچه‌ان او را مضروب ساختند که نزدیک



بود جان دهد. تنها ترس از قبیله غفار در ناامن‌سازی مسیرهای تجاری قریش، سبب شد تا دست از شکنجه ابوذر بکشند (ابن‌سعد، ۱۳۷۴، ج ۴، ص ۲۰۱-۲۰۳).

علاوه بر این، مسلمانان در جهت تبعیت از پیامبر (ص) و پایبندی به آیین جدید، مشقت‌ها را تحمل و اقدامات سختی را انجام دادند. برای نماز گذاردن و شنیدن سخنان حضرت مجبور بودند مخفیانه و در ساعات مختلف شبانه‌روز در بیابان‌ها، شکاف خالی کوه‌ها، دره‌ها و فواصل دوردست را بپیمایند (فیاض، ۱۳۸۵، ص ۶۱) در آن نقاط نیز در امان نبودند و مانع عبادت و اجتماع مسلمانان می‌شدند، به همین علت بود که در خانه ارقم جلسات خود را برگزار می‌کردند و در آنجا نیز تحت تدابیر خاصی رفت و آمد صورت می‌گرفت تا توسط مشرکین شناسایی نشوند. سخت‌گیری و فشارها به اندازه گسترش یافت که مسلمانان مجبور به مهاجرت شدند (ابن‌هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۲۳۶).

حصر اقتصادی مسلمانان در شعب ابی‌طالب یکی دیگر از سخت‌ترین مقاطع مسلمانان بود که با زجر و رنج سپری شد (مسعودی، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۲۱۴). در شعب، مسلمانان شدیداً تحت فشار قرار گرفتند به اندازه‌ای که برگ درختان و پوست گوسفند را جوشانده و می‌خوردند. بر اثر گرسنگی ناله کودکان از دور شنیده می‌شد (امین‌عاملی، ۱۳۹۱، ج ۱، ص ۲۳۵). بسیاری از گروندگان به اسلام بخاطر اعتقادات و همراهی با رسول الله (ص) بخش زیادی از اموال و دارایی‌شان را از دست دادند؛ نظیر خدیجه (س)، مصعب‌بن‌عمیر، ابوبکرایی قحافه، صهیب رومی. ابوبکر از تجار بزرگ مکه محسوب می‌شد در هنگام هجرت به مدینه تنها اندک اندوخته‌ای برای او باقی مانده بود (زریاب‌خویی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۴). صهیب در راه ارادت به پیامبر و تشرف به اسلام، قید دارایی‌های خود را زد و تمامی اموالش در مکه مصادره گردید (ابن‌اثیر، بی‌تا، ج ۹، ص ۸۳). وی در مکه ثروت و اموال فراوانی اندوخته بود (زریاب‌خویی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۲) در هنگام هجرت به مدینه، مکان به او گفتند «تو درویشی صعلوک و بی‌چیز به شهر ما آمدی و در اینجا ثروت اندوختی و حال می‌خواهی خودت و اموالت را بدر ببری ما نمی‌گذاریم که چنین کنی» صهیب از اموال خود چشم‌پوشی کرد و همراه پیامبر (ص) به مدینه هجرت کرد (قاضی ابرقوه، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۴۵۸).

زید بن حارثه آزاد شده و فرزندخوانده رسول‌خدا (ص) بود که چنان مجذوب پیامبر شد که وقتی والدینش به دنبالش آمدند، حضرت وی را میان ماندن و رفتن با والدینش مخیر کرد و وی مشتاقانه نزد پیامبر ماند (ابن‌هشام، ۱۳۷۵، ج ۱، ص ۱۶۳). ابوسفیان از سران مشرک اشاره دارد که تاکنون ندیده بودم کسانی صاحب خویش را آن اندازه که اصحاب محمد (ص) او را دوست می‌



دارند دوست داشته باشند (جعفریان، ۱۳۸۳، ۲۶۰). این مطالب تنها نمونه معدودی از موارد متعددی است که مشخص می‌سازد که یاران پیامبر (ص) تا چه میزان به حضرت وفادار بودند. آنان در وضعیت بسیار عذاب‌آور و طاقت‌فرسا، مشتاقانه و عاشقانه در خدمت محمد (ص) و رسالتش قرار گرفتند.<sup>۱</sup>

با کم‌رنگ‌شدن ساختارهای قبیله‌ای و پیوندهای نژادی و خونی، اختلافات متنوع و تنش‌های متراکم به شدت کمتر شد. جامعه سرشار از تضاد و تشنگی به «امت واحد» و «اجتماعی زنده و قدرت‌مند» تبدیل شد (برزگر، ۱۳۸۹، ص ۱۰۵، ۱۱۰-۱۱۲. شوا، ۱۳۸۵، ص ۸۵). ارزش‌های اخلاقی و انسانی به شکل گسترده‌ای رونق گرفت (دورانت، ۱۴۰۰، بخش اول، ص ۴۳۲). جامعه‌ای که تا پیش از آن گرفتار انواع خشونت‌ها و بحران‌های اخلاقی بودند (زریاب‌خویی، ۱۳۸۸، ص ۸۳-۸۵. ایزوتسو، ۱۳۷۴، ص ۹۵-۹۸)، آرامش یافت و راحت‌تر کنار یک‌دیگر قرار گرفتند. برتری نژادی خطا انگاشته شد و برابری و برادری گسترش یافت (واقعی، ۱۴۰۹، ج ۳، ص ۹۳۱). بردگی، تجاوز به حدود و حقوق دیگران به امری مذموم و نکوهیده تبدیل شد و در مقابل فرهنگ ایثارگری، عدالت‌گری، صلح و نوع‌دوستی، خیرخواهی، عفو و گذشت میان مردم گسترش یافت (نصر، ۱۳۸۴، ص ۹۶-۹۸)، زمینه برای رشد و شکوفایی قابلیت‌های انسانی و بهره‌گیری صحیح از استعداد‌های افراد فراهم آمد (پاشا، ۱۳۸۵، ص ۱۱۵). شخصیت فردی و اجتماعی افراد و اندیشه و نظرشان محترم شمرده می‌شد (طبرسی، ۱۴۱۲، ج ۱، ص ۶۶۶)، دامنه فکر و وسعت اندیشه افراد جامعه گسترش یافت (نصر، ۱۳۸۴،

۱. حضرت محمد (ص) خود نیز در معرض آزار و اذیت و شکنجه‌های سخت و سنگین مشرکان مکه قرار داشت. البته، به جهت ساختار قبیله‌ای حجاز و حمایت تمام‌عیار ابوطالب - تا زمانی که در قید حیات بود - کمتر در معرض آسیب جسمانی قرار داشت. در عصر بعثت فشار سران مشرک به اندازه‌ای شدت یافته بود که پیامبر (ص) وقتی از خانه بیرون آمد بر هر که بگذشت از کوچک و بزرگ، آزاد و بنده او را دشنام دادند و رنجانیدند به اندازه‌ای دل‌تنگ شد که به خانه رفت و «بخفت و گلیمی در سر کشید» (قاضی ابرقوه، ۱۳۷۷، ج ۱، ص ۲۶۱). آزار و اقدامات زجر‌آور مشرکین به حدی بود که آن حضرت فرمودند: «هیچ پیامبری به اندازه من آزرده نشد» (مجلسی، بی‌تا، ج ۳۹، ص ۵۶). فشار به ابوطالب برای بازداشتن پیامبر (ص) از ادامه فعالیت‌های تبلیغی (ابن‌سعد، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۸۸)، مراجعه مستقیم به رسول الله (ص)؛ تطمیع، تمسخر، استهزاء (آیتی، ۱۳۷۵، ص ۱۱۲)، ریختن شکمه گوسفند و سرگین شتر بر بدن رسول الله (ص) به هنگام عبادت و محاصره اقتصادی و حصر مسلمانان در شعب ابی‌طالب با وضعیت معیشتی بسیار نامناسب (ابن‌سعد، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۹۴) از این جمله‌اند. خصومت و رزوی و خشونت‌ها در مکه به اندازه‌ای شدت یافت که زندگی در مکه طاقت‌فرسا شد و در سال‌های پایانی حضور در مکه، پیامبر در وضعیت بن‌بست‌گونه‌ای قرار داشت (یعقوبی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۸۵) و حتی در خانه خود نیز در معرض آزار مشرکان بودند و امکان برقراری ارتباط معمولی با افراد را نیز نداشتند.





ص ۱۰۰-۱۰۱)، زندگی مردم از رخوت و انفعال به وضعیت پویا و فعال تبدیل شد، تعاون و همکاری در جهت رفع مسائل و مشکلات ریز و درشت جامعه شکل گرفت، میزان مشارکت جویی و مسئولیت‌پذیری اعضای جامعه اسلامی به شکل گسترده ارتقا یافت (ابن‌فراء، ۱۳۶۳، ص ۱۰-۱۵)، زمینه برای وحدت و انسجام میان مردم و گروه‌های مختلف پدید آمد (عمید زنجانی، ۱۳۷۹، ص ۱۹۳-۱۹۴).<sup>۱</sup>

علاوه بر تغییرات اساسی در اندیشه‌ها و گفتمان ذهنی افراد در عرصه سیاسی و میدانی شبه جزیره نیز تمامی تحولات به نفع مسلمانان رقم خورد و نیروهای قدرت‌مندی نظیر شرک، نفاق و یهود، منفعل و منزوی شدند (آزمسترانگ، ۱۳۸۳، ص ۵۳، ۵۵، ۶۳-۶۶). قوای مادی و توان سیاسی و نظامی آنها فروپاشید و بیشتر مناطق شبه‌جزیره در زیر چتر اسلام قرار گرفتند. بدون شک، تأثیر عنصر نیرومند اخلاق در آیین اسلام و سیره پیامبر (ص) و تولید قدرتی که از آن حاصل گردید در جهت‌دهی تحولات و ساخت جامعه جدید، گزاره اساسی بود.

## ۷. نتیجه‌گیری

در این پژوهش، به ارزیابی ارتباط دو مفهوم قدرت و اخلاق در سیره رسول الله (ص) پرداخته شد. به جهت ظرفیت‌های گسترده و توان تأثیرگذاری بالایی که در مفهوم اخلاق نهفته است، به عنوان یکی از منابع مهم قدرت در نظر گرفته شد. برخورداری رسول الله (ص) از فضایل اخلاقی و جایگاه ویژه اخلاق در آیین جدید، منبع مهمی بود که به تولید قدرت فراوان منتهی گردید و آثار آن در بروز تغییرات گسترده و تأثیرات عمیق و فراگیر نمودار شد.

عصر جاهلیت و جامعه‌ای که پیامبر (ص) مأموریت تبلیغ آیین اسلام یافت بدون شک، در حوزه‌های مختلف اجتماعی و انسانی، یکی از منحط‌ترین جوامع آن زمان به حساب می‌آمد. نیروی قدرت‌مند اخلاق که در اسلام و سیره پیامبر نمود عینی داشت، نقش اساسی در تغییر و اصلاح جامعه ایفا کرد. با تقلیل کنش‌های هیجانی، خویشنداری در رفتار و سلوک افراد افزایش

۱. تفاوت حجاز قبل از پیامبر (ص) و بعد از آن گویای موضوع است. جامعه‌ای که ارزش‌های اجتماعی و هنجارهای فرهنگی آن بر محور نژاد، خون، قبیله و شمشیر استوار بود چنان منقلب و متاثر گردید که عصر نوینی در آن شروع شد و به برپایی تمدن مسلمانان منتهی گردید. سیره اخلاقی پیامبر (ص) تأثیر مهمی در گذر از جامعه جاهلی و ساخت جامعه جدید اسلامی داشت.

یافت و به مقدار زیادی تابع هنجارهای اخلاقی و اعتقادی گردیدند. جامعه‌ای که اسیر آشفستگی شدید بود و در لبه پرتگاه در معرض انحطاط اجتماعی و سقوط اخلاقی قرار داشت، در عصر رسالت تغییر جهت داد و در مسیر رشد و بهره‌برداری درست از استعداد های انسانی-اجتماعی قرار گرفت. از این رو، اخلاق و فضایل اخلاقی پیامبر (ص)، قدرت و سرمایه‌ای پدید آورد که در گرایش به آن حضرت و تبعیت از اسلام نمودار شد. این مسئله بی‌تردید زیرساخت‌های برپایی تمدن باشکوه مسلمانان را فراهم آورد.

## فهرست منابع

✽ قرآن کریم.

- ابن اثیر جزری، علی. (بی‌تا). الکامل. (ترجمه: عباس خلیلی و ابوالقاسم حالت). تهران: انتشارات علمی.
- ابن اسحاق، محمد. (۱۳۹۸ ق). سیره ابن اسحاق. (تحقیق: سهیل ذکار). بیروت: دار الفکر.
- ابن سعد، ابوعبدالله محمد کاتب. (۱۳۷۴). طبقات. (ترجمه: محمود مهدوی دامغانی). تهران: انتشارات فرهنگ و اندیشه.
- ابن عمر، شرف‌الدین محمد بن عبدالله. (۱۳۸۲). خلاصه سیرت رسول الله (ص). (تصحیح: اصغر مهدوی و مهدی قمی نژاد). تهران: علمی و فرهنگی.
- ابن فراء. (۱۳۶۳). رسل الملوک (سفیران). (ترجمه: پرویز اتابکی). تهران: سازمان انتشارات آموزش انقلاب اسلامی.
- ابن هشام، ابومحمد عبدالملک. (۱۳۷۵). زندگانی محمد (ص) پیامبر اسلام. (ترجمه: سید هاشم رسولی) تهران: انتشارات کتابچی.
- امین عاملی، سید محسن. (۱۴۰۳ ق). اعیان الشیعه. بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
- ایزوئسو، توشی هیکو. (۱۳۷۴). خدا، انسان در قرآن. (ترجمه: احمد آرام). تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
- آرمسترانگ، کارن. (۱۳۸۳). محمد: زندگی‌نامه پیامبر اکرم (ص). (ترجمه: کیانوش حشمتی). تهران: انتشارات حکمت.
- آرمون، عسگر؛ اسدی، عبدالله. (۱۳۹۱). نگرشی بر سیره اخلاقی پیامبر اکرم (ص). فصلنامه جبل‌المتین. ص ۹۷-۱۲۱.



۱۰۱

- آیتی، محمد ابراهیم. (۱۳۷۸). تاریخ پیامبر اکرم (ص). تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- بحرینی، نسرین. (۱۳۸۹). اخلاق پژوهش به مثابه یک دانش، جست‌وجو در اضلاع و هویت معرفتی اخلاق پژوهش. فصلنامه راهبرد فرهنگ. ش ۸-۹. ص ۳۹-۵۸.
- برزگر، ابراهیم. (۱۳۸۹). تاریخ تحوّل دولت در اسلام و ایران. تهران: سمت.
- بلاذری، احمد بن یحیی. (۱۳۹۷/۱۳۹۴ ق). انساب الاشراف. (تصحیح: محمد باقر محمودی). بیروت: بی‌نا.
- بلعمی، ابوعلی. (۱۳۷۳). تاریخ‌نامه طبری. (تحقیق: محمد روشن). تهران: البرز.
- بهشتی، احمد. (۱۳۸۷). اخلاق معجزه‌دوم نبوی، در اخلاق حرفه‌ای در تمدن ایران و اسلام. (به اهتمام احد فرامرز قراملکی). تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- بیهقی، ابوبکر. (۱۳۶۱). دلائل النبوة. (ترجمه: محمود مهدوی دامغانی). تهران: علمی و فرهنگی.
- پاشا، حسین. (۱۳۸۵). پیامبر اعظم از نگاه متفکران غربی. ماهنامه سیاحت غرب. ۳۸. ص ۵۰-۵۱.
- ترزا، رینوالد. (۱۳۸۹). قدرت نرم و سیاست خارجی آمریکا. (ترجمه: مجید رسولی). تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- جعفریان، رسول. (۱۳۸۳). سیره رسول خدا (ص). قم: دلیل ما.
- خنیفر، حسین، اسماعیلی، حسن. (۱۳۸۹). نقش سازمان اخلاقی در توسعه منابع انسانی. تهران: پژوهشگاه مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- دامغانی، سید رضا. (۱۳۸۳). نگرشی بر مدیریت اسلامی. تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل.
- دورانت ویل. (۱۴۰۰). تاریخ تمدن. (ترجمه: اسماعیل دولت‌شاهی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- زریاب‌خویی، عباس. (۱۳۸۸). سیره رسول الله (ص) از آغاز تا هجرت. تهران: سروش.
- سبحانی، جعفر. (۱۳۸۳). فروغ ابدیت. قم: بوستان کتاب.
- سروری، رضا، قربانزاده، قربانعلی، جهرمی، ناصر، اسلامی، سهراب. (۱۴۰۰). بررسی سیره تربیتی - سیاسی پیامبر: با تأکید بر «تألیف قلوب». فصلنامه بصیرت و تربیت اسلامی. ۵۸. ص ۹۹-۱۱۷.
- شهرستانی، حسین. (۱۳۹۱). حوزه خصوصی و قدرت نرم دولت. ماهنامه سوره. ش ۶۲-۶۳، ص ۱۰۵-۱۰۴.
- شیدائیان، حسین. (۱۳۸۵). سیره اخلاقی پیامبر اعظم (ص). فصلنامه حصون. ۹. ص ۲۳-۳۶.
- صمدی، معصومه، داویی، مهدی، اقبالیان، طاهره. (۱۳۹۱). مبانی، اصول و روش‌های تربیت اخلاقی در سیره پیامبر (ص) و اهل بیت (ع). فصلنامه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت. ش ۱۶. ص ۳۷-۶۴.
- طبرسی فضل‌بن‌حسن. (۱۴۱۲ ق). مجمع البیان. بیروت: مؤسسه تاریخ العربی.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۳۷۵). تاریخ طبری. (ترجمه: ابوالقاسم پاینده). تهران: اساطیر.
- عاملی، جعفر مرتضی. (۱۳۸۴). سیرت جاودانه. تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

عاملی، محمد بن حسن. (۱۳۹۱ ق). وسایل الشیعه. بیروت: دار احیاء التراث العربی.  
عزیزی، موسی. (۱۳۹۱). سیره سیاسی پیامبر اکرم (ص). فصلنامه جبل المتین. ص ۸۴-۹۶.  
عمید زنجانی، عباسعلی. (۱۳۷۹). فقه سیاسی. تهران: سمت.  
فاریابی، ابونصر محمد بن محمد. (۱۴۰۵ ق). فصول منتزعه. تهران: مکتبه الزهراء.  
فاضلی، خادم حسین. (۱۳۸۵). سیره رفتاری و اخلاقی پیامبر اعظم (ص). ماهنامه معرفت. ش ۱۱۰.  
ص ۲۰-۳۲.

فرامرز قراملکی، احد. (۱۳۸۸). اخلاق سازمانی. تهران: مؤسسه مطالعات بهره‌وری و منابع انسانی.  
فرامرز قراملکی، احد؛ نوچه فلاح، رستم. (۱۳۸۶). موانع رشد اخلاق حرفه‌ای در سازمان‌ها. تهران: بشری.  
فروغی، آرمان، رازنهان، محمد حسن، عطاری، علیرضا. (۱۳۹۶). بررسی و نقد آراء مستشرقان درباره  
زندگانی حضرت خدیجه (س). دوفصلنامه تاریخ اسلام در آینه پژوهش. س ۱۴. ش ۴۳.  
ص ۳۱-۵۷.

فیاض، علی اکبر. (۱۳۸۵). تاریخ اسلام. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.  
قاضی ابرقوه، رفیع‌الدین اسحاق. (۱۳۷۷). سیرت رسول الله. (تحقیق: اصغر مهدوی). تهران: خوارزمی.  
کگل آر، استوارت. (۱۳۸۳). چارچوب‌های قدرت. (ترجمه: مصطفی یونسی). تهران: پژوهشکده  
مطالعات راهبردی.

گورگیو، کنستان ویرژیل. (۱۳۹۴). محمد؛ پیغمبری که از نو باید شناخت. (ترجمه: ذبیح‌الله منصوری).  
تهران: زرین.

مبارک‌فوری، شیخ صفی‌الرحمن. (۱۳۸۲). خورشید نبوت؛ ترجمه فارسی «الرحیق المختوم». (ترجمه:  
محمدعلی لسانی فشارکی). تهران: احسان.

متانت پور، محمدتقی. (۱۳۹۳). سیره اخلاقی پیامبر اکرم (ص). فصلنامه تاریخ نو. ۹. ص ۱۲۰-۱۰۷.  
مجلسی محمد باقر. (۱۴۰۴ ق). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.

محدثی، جواد. (۱۳۸۵). پیام‌های عاشورا. قم: زمزم هدایت.  
مرادی، حجّت‌الله. (۱۳۸۹). قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل. تهران: نشر ساقی.  
مسعودی، ابوالحسن علی. (۱۳۷۴). مروج الذهب و معادن الجوهر. (ترجمه: ابوالقاسم پاینده). تهران:  
علمی و فرهنگی.

مطهری، مرتضی. (۱۳۹۹). حماسه حسینی. (ج ۱). تهران: صدرا.  
منافی اناری، سالار. (۱۳۸۸). ارزش‌های اخلاقی در سیره پیامبر (ص). مجموعه مقالات نگین خاتم،  
دانشگاه علامه طباطبایی. ص ۲۲۹-۲۵۲.

منتظرالقائم، اصغر. (۱۳۸۳). تاریخ اسلام از آغاز تا سال ۴۰ هجری. اصفهان: سمت و انتشارات دانشگاه  
اصفهان.



۱۰۳

نای، جوزف. (۱۳۸۷). قدرت در عصر اطلاعات. (ترجمه: سعید میرترابی). تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.

نای، جوزف. (۱۳۹۲). آینده قدرت. (ترجمه: احمد عزیزی). تهران: نشر نی.  
نساجی زواره، اسماعیل. (۱۳۸۵). آموزه‌های اخلاقی در سیره پیامبر اعظم (ص). ماهنامه مکتب اسلام. ص ۴۷-۵۱.

نصر، سید حسین. (۱۳۸۴). آرمان‌ها و واقعیت‌های اسلام. (ترجمه: انشالله رحمتی). تهران: جام.  
واقدی، محمد بن عمر. (۱۴۰۹ ق). المغازی. بیروت: مؤسسة الأعلمی.  
یعقوبی، احمد بن ابی یعقوب. (۱۳۷۱). تاریخ یعقوبی. (ترجمه: محمدابراهیم آبتی). تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.

یوسفی غروی، محمد هادی. (۱۳۸۸). تاریخ تحقیقی اسلام (موسوعه التاريخ الاسلامی): عصر نبوت تا مرحله اعلان دعوت. (ترجمه: حسینعلی عربی). (ج ۱). تهران: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی (ع).



۱۰۴



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی